

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شبه‌هنگ راد
۲۹ اگست ۲۰۱۶

استمرار فاجعه در سوریه

هر روز جنگ تازه ای را بر توده های ستمدیده سوریه تحمیل می کنند. هر روز جنگنده ای تازه، بر روی کودکان و زنان و مردان بمب می ریزد. هر روز با عذر تازه ای، تعرض به مردم این منطقه را سازمان می دهند. جایی برای کشت و کار، و سقایی برای زندگی نمانده است. سوریه را به خرابه تبدیل نموده اند و سرزمینی برای حیات و آرامش - نسبی - نیست. رؤیت تصاویر مخابره شده از رنج، مصیبت وارده به مردم و کودکان، بسیار دردناک و زجرآور است. دردها عمیق تر و ابعاد جنگ وسیع تر، و آزمندی بانیان اوضاع کنونی هم، تمامی ندارد. در این چند ساله، چه فجایی را بر سر میلیون ها انسان دردمند نیآورده اند. انجام چنین اقداماتی، نماد دموکراسی قرن بیست و یکمی ست!

از زمین و هوا یورش می آورند تا جامعه را از شر دیکتاتور ها "آزاد" سازند؛ جان کودک، پیر و جوان را می گیرند تا دنیای "لایق"تری بسازند؛ بیمارستان ها را به تلی از خاک و خون تبدیل می سازند تا زخم ها را "درمان" کنند؛ مدارس را زیر و رو می کنند تا آموزش "بهتر"ی را برای کودکان و جوانان به ارمغان آورند. شرح و بیان سرمایه، از نیاز و زندگی مردم، در دنیای پُر از ثروت و زر، اینگونه است. نقشه اش، برای تخلیه امکانات جوامع سرشار از منابع طبیعی است. یار و یارکشی و جابه جایی برای پیگیری برنامه های تعیین شده، روزانه است، بی دلیل هم نیست که تحمیل و پُر دامنه تر نمودن جنگ، به یگانه پاسخ سرمایه تبدیل گردیده است. بنابراین برای دستیابی به منافع کلان تر، نیاز به آرایش سیاسی و توافق تازه تر است و می بایست و باید، با سیاست، با صف بندی و با دشمن تراشی های به روزتر، سیاست های "نظم نوین" و "خاورمیانه بزرگ" را پی گرفت. برآستی چه کس و یا کسانی از چنین وضعیت فاجعه باری، شاد و خرسندند؟ در این میان جامعه و مردم، در کدامین سوی این تضادها قرار گرفته اند و سود و منفعت شان، در چنین بلبشوی بازار سیاسی چیست؟ و ..

به یک نگاه، شادمانی ها، ضجه ها و نارضایتی ها را می توان و می شود در چهره و در نحوه زندگی طرفین درگیر و قربانیان اوضاع کنونی به عینه دید. خشم و تنفر مردمی، خفا نیست و صدای میلیون ها انسان، در مقابل چنین فجایع دردناکی در آمده است، در عوض، افکار و اعمال سرمایه، پُر از ریا، حقه بازی، دغلکاری و غارت اموال عمومی و تخریب بیش از این معیشت توده های بی خانمان است. فروش سلاح های رنگارنگ و دست به دست شدن منطقه و یا مناطقی از سوی طرفین جنگ، نفس مردم را در سینه حبس نموده است. سیل عظیم توده های محروم از مناطق جنگ زده و توافقات روزانه قدرت مداران بین المللی، به همراه دار و دسته های رنگارنگ شان، بر شکل و شمایل و بر در

هم ریختگی منطقه خاورمیانه و جامعه سوریه افزوده است. نفع و حاصل سرمایه داران، در همسویی و در همترازی با منفعت توده نیست و میلیون ها انسان دردمند، در چنین کارزار سیاسی و کشمکش ها، سهم و منفعتی به غیر، از دست دادن جان و مال خود ندارند. تلف شدن هزاران انسان بی گناه، خروج میلیون ها تن دیگر از وطن شان و متعاقباً توهین و تحقیر، حکایت از آن دارد که ادامه چنین وضعیتی، در خدمت به نابودی مابقی انرژی توده های صدمه دیده است. روشن شده است که در پرتو چنین جنگ های خانمانسوزی، نمی توان آرامش را به توده ها باز گرداند. چرا که فضاء، فضای بی عدالتی و غصب بیش از این اموال عمومی ست؛ چرا که میدان، میدان قتل عام، و آواره نمودن توده های بی دفاع و بی پناه است. روزی میدان را برای یکه تازی های "تروریست" ها آماده می کنند و روزی دیگر، به جان شان می افتند!! روزی به حمایت از این دیکتاتور و آن دیکتاتور می پردازند و روزی دیگر، می کوشند تا آنها را به زیر کشند و جامعه را فارغ از سرکوب و قتل عام سازند! از هر سو و به دروغ بر شیپور انساندوستی می دمند. انسانیت و احترام به حقوق پایه ئی انسان ها، در منطق و در فرهنگ شان، کمترین جایگاه و مقامی ندارد. انصافاً عامل اوضاع زندگی "عمران"، کودک سوری که چند روز قبل به سر تیتز بلندگوهای تبلیغاتی سرمایه قرار گرفته است، چه کس و یا دولت هائی هستند؟

به طور قطع سرنوشت و داستان زندگی "عمران"، تک نمونه از حاصل جنگ و جنایت قدرت مداران بین المللی در حق کودکان سوریه نیست. صدها - و در حقیقت - هزاران تصویر و زندگی بی آینده کودکان سوریه و دیگر کودکان منطقه خاورمیانه را می توان به رسم نمود و نشان داد، که تضمین دنیای بهتر کودکان، مترادف با حاکمیت زورمداران و جانیان بشریت، نیست. می توان به اثبات رساند که ظرفیت مردم و جامعه سوریه - و همچنین دیگر مناطق جنگی -، از دست سیاست های جنگ طلبانه سودجویان به سر رسیده است. مردم از این وضعیت زله شده اند و با تمام وجود، خواهان اتمام خانه خرابی بیش از این اند. کودک نیاز به رفتن به سر کلاس و آموزش دارد؛ نیاز به آرامش و بازی با هم سن و سال های خود دارد؛ سالمند نیاز به آرامش در خور انسانی دوران مابقی عمرش دارد؛ جوان در فکر کسب علم و دانش - برای سازندگی جامعه خودی - می باشد؛ متأسفانه و این روزها، نگاه همه به آسمان پُر از جنگنده های سرمایه دوخته شده است و در انتظار از دست دادن جان و مثله شدن بدن خود، دوستان، والدین و خانه های شان می باشند. این چه دنیای ظالمانه و دردآوری ست که سرمایه داران برای میلیون ها انسان ساخته اند و هر یک از آنان برای دست اندازی بیشتر، تعرض جدیدی را علیه محروم ترین اقشار جامعه سازمان می دهند. ورود ارتش سرکوبگر ترکیه به نقاط مختلف سوریه و همچنین حمله مجدد و سازمانیافته نمایان سرمایه، به مناطق کردنشین سوریه، زندگی مردم را به مخاطره بیشتری انداخته است. دستاویزهای سرمایه، برای ماندگاری شان واحد است. همه برای اعطای "دمکراسی" به مردم سوریه، به سرزمین شان هجوم آورده اند و همه، برای تضمین "امنیت و آرامش" مردم، بر سر آنان بمب می ریزند و همه، برای "نابودی جنگ"، بر شعله های آن می افزایند. جنگی که، همه سوهای آن، در دست سرمایه داران و ناباوران به منافع میلیون ها انسان دردمند سوریه است.

پُر واضح است که نه تنها جنگ سوریه، بلکه تمامی جنگ های به راه افتاده در منطقه خاورمیانه، سازماندهی شده از جانب قدرت مداران، دولت ها و دار و دسته های وابسته بدانان می باشد. نمونه ها در این عرصه ها فراوان اند؛ افغانستان، عراق، لیبیا، یمن و غیره، از زمره نماد سیاست های جنگی امپریالیست ها در منطقه خاورمیانه می باشد. متأسفانه در چنین موقعیتی و بنابه حاکمیت سیاسی سرمایه داران بین المللی بر جهان کنونی و به ویژه در منطقه خاورمیانه، نمی توان تصویر روشنی از زندگی آتی مردم ارائه داد. روند و مسیر، روبه خرابی بیش از این است و بدون کمترین تردیدی، تغییر آن، منوط به تغییر رویه دلخواه سرمایه است. سرمایه نظم و ترتیب دلخواه خود را می

خواهد و در عوض مردم، به دنبال آسایش و آرامش نسبی اند. چنین خواستی، بدیهی ترین و پایه ئی ترین نیاز انسان و بشریت است. سرمایه بنابه هزاران دلیل، مدافع محترم شمردن به حقوق انسان ها و به رسمیت شناختن آزادی های نیم بند نیست. با این اوصاف، تضمین و تأمین خواسته های ابتدائی میلیون ها انسان محروم، منوط به اتخاذ سیاست تعرضی مدافعان جنبش های اعتراضی - مردمی ست و شکی در آن نیست، که خلاصی از اوضاع ناهنجار و وخیم کنونی، در انتخاب سیاست مستقل از سرمایه و در اتکاء به قدرت توده ئی ست. به تجربه دریافته شده است که هر نگاه هر چند کوچک، و یا هر گونه ساخت و پاخت با بالائی ها - و آنهم با هر دلیل و بهانه ای -، جامعه را به مسیر، خلاف منفعت مردمی سوق خواهد داد. باید آگاه بود که ضمانت و تضمین هر انقلاب، و پیروزی هر جنگ انقلابی، در گرو سازماندهی محرومان از زیر سلطه جانیان بشریت و منوط به دوری با بانیان اوضاع کنونی ست. مردم سوریه به مانند دیگر مردم محروم منطقه خاورمیانه، زمانی از اوضاع فلاکت بار رهائی خواهند یافت، که سازمان مدعی وی با برنامه ای روشن و به دور از منفعت و چشم داشت های سیاسی و مهمتر از آن در همیاری با دیگر سازمان ها و جریانات وابسته به انقلاب، مواضع ضد انقلاب را نشانه گیرد و گام به گام، دشمنان رنگارنگ را، از جان و مال توده های ستمدیده پس زند. بنابراین یگانه راه، در عروج سازمان رزمنده و کمونیستی، و یگانه پاسخ، مقابله عملی با قدرت مداران بین المللی، دولت ها و دستجات وابسته بدانان است.

۲۸ اگست ۲۰۱۶

۰۷ شهریور [سنبله] ۱۳۹۵